

## ‘l’nn TR’ در کتیبه شاپور

در آغاز کتیبه معروف شاپور اول که سه زبان نگاشته شده<sup>(۱)</sup> در حین ذکر کشورهای شامل امپراطوری ایران در متن پهلوی اشکانی سطور ذیل خوانده میشود:

1/...’trwptkn ’rṃny 2/ wyršn sykn ’rd’n bl’skn ḤN prḥš ‘L kpy ṬWR’ W ‘l’nn TR’

و در متن مربوطه یونانی این کتیبه:

2/... ’Αδουρβα ε/δηνην, ’Αρπενίαν, ’Ιβηρίαν, Μαχελονίαν, ’Αλβανίαν, [Βυρασαγηνήν (?)] ’έως ’έμπροσθην Καπ ’όρους. καὶ ’Αλα[νῶν πυλῶ]ν...

در متن پهلوی اشکانی ‘l’nn TR’ ذکر شده که مطابق با [Αλα[νῶν πυλῶ]ν] یونانی است. ‘TR’ کلمه معروف آرامی است که در بسیاری از زبانهای سامی (در آرامی یهودی، آرامی مسیحیان فلسطین، ماندائی، عبری و فینیقی) مشاهده میشود. معنی آن «در»، «دروازه» porta و بمشابه هزوارش در فارسی مورد استفاده

رجوع کن به:

M. Sprengling, Third Century Iarn, Sapor and kartir, Ghicago.

1953 : E. Honigmann et A. Maricq, Recherches sur les Res

Gestae Divi Saporis. Bruxelles, 1953 ;

پرویزرجبی، کرتیروسنگ نبشته اودر کعبه زرتشت. بررسیهای تاریخی؛ سال ششم، شماره ۳۳،

۱۹۷۱ ص ۶۸ - ۳

قرار گرفته و آنرا بصورت dar ادا می‌کردند. بدون تردید این کلمه در این مورد بمعنی «در» آمده، مخصوصاً اگر در نظر بگیریم که در کتیبه کر تیر (تخت جمشید) در عبارت

W'lmny štry Wwlwc'n W'l'ny W bl'sk'n 'D pl'č 'L 'l'n'n BB'  
بجای 'TR' مذکور کلمه سامی دیگری - «باب» - بکار برده شده که در زبان عربی معاصر هم رایج بوده و بمعنای «در» میباشد. باین ترتیب کلمه 'TR' کتیبه شاپور معادل BB' کتیبه کر تیر و dar پهلوی ساسانی است.

هدف ما روشن گردانیدن معنی واژه جغرافیائی یا نژادئی میباشد که کلمه نامبرده بعنوان موصف آن در آمده است. گوئی آشکار است که مراد «آلانها» و «در آلانها» یعنی «دریال (ان)» باید باشد ولی آ. ماریک<sup>(۱)</sup> که بمعیت ا. هونینگمن<sup>(۲)</sup> يك رشته تحقیقات جالبی درباره متن یونانی کتیبه شاپور بعمل آورده، معتقد است که در این مورد منظور «در آلانها» نبوده بلکه «در آلانها» است که مطابق و همانند با «در دربند» میباشد و این همان «الباب و الابواب» عربی است که گاهی «الباب» و دیرتر بشکل «باب الابواب» خوانده میشده است. آ. ماریک خاطر نشان میسازد که از يك طرف ما نگارش 'TR' nn 'l' را مشاهده میکنیم و از طرف دیگر «آلبانی» در متن پهلوی اشکانی بشکل 'rd' n نوشته شده است. ولی برای این نکته اهمیت زیادی نباید قائل بود. در پهلوی اشکانی lamad را برای افاده صوت l بکار میبردند در صورتیکه در پهلوی ساسانی آنرا اغلب برای تلفظ r مورد استفاده قرار میداده‌اند. اگر نام «آلبان» بشکل 'l'n' نوشته میشد تبعاً «در آلان» میبایستی بصور 'l'n'n' در می‌آمد. از قرار معلوم نگارش اول این متن به پهلوی ساسانی نوشته شده بود.<sup>(۳)</sup> اشتباهات آن در امر ثبت اسامی جغرافیائی

1. A. Maricq

2. B. Honigmann

۳- درباره این موضوع رجوع کن :

W. B. Henning. Farewell to the Khagan of the Aq - Aqätāran ,  
BSOAS , XIV, 513.



بیگانه میبایستی در متن پهلوی اشکانی منعکس میشد و این نکته در ذکر اسامی شهرهائی که از رومیان تصرف شده بود کاملاً آشکارا مشاهده میشود. در روایت پهلوی اشکانی استعمال 1 و 2 اختیاری است و این نکته دلیل اساس بودن متن پهلوی ساسانی میباشد.

ضمناً آ. ماریک سؤال میکند که بچه دلیل در کتیبه مزبور به «در آلان‌ها» اشاره شده، حال آنکه «دریال» امروزی «دره ایست عظیم بطول ۱۳ کیلومتر که عمق آن از اینسو تا آنسو پراز آبهای خروشان رودترگ بوده و با صخره‌های عمودی بارتفاع ۱۸۰۰ متر محصور شده.»<sup>(۱)</sup> دومین گذرگاه اصلی قفقاز «در دربند» بوده و چنانچه از اثر سه بشوس<sup>(۲)</sup> استنباط میشود، آنرا «در الوان‌ها» می‌نامیدند. بعقیده آ. ماریک در متن کتیبه شاپور بهمین «در الوان‌ها» اشاره شده است.<sup>(۳)</sup>

برای تشخیص 'l'nn در کتیبه پهلوی اشکانی در وهله اول خود متن حائز اهمیت میباشد. اشاره آ. ماریک مبنی بر اینکه در پهلوی ساسانی برای نشان دادن تلفظ 2 حروف 1 را بکار میبرده‌اند کاملاً صحیح است. ولی این نکته را هم باید در نظر گرفت که حرف 1 در عین حال مبین تلفظ خود 1 بوده است. مثلاً gyl'n در متن پهلوی اشکانی مطابق با gyl'n در پهلوی ساسانی Γελγνῶνρ یونانی است. پس حروف 1 بخودی خود مبین این معنات نیست که حتماً بایستی 2 تلفظ شود. مخصوصاً اگر در نظر بگیریم که در پهلوی اشکانی حرف 1 اغلب برای تلفظ خود 1 بکار رفته و بندرت 2 ادا میشود. آ. ماریک برای رفع این اشکال متن پهلوی اشکانی را مأخوذ از پهلوی ساسانی می‌داند. البته شکل 'l'nn بخودی خود ممکن است چه در پهلوی اشکانی و چه ساسانی هم «اران» و هم «الان» تلفظ شود. برای حل این اشکال توجه باین نکته حائز اهمیت است که در متن پهلوی اشکانی تلفظ «اران»

۱- آ. ماریک اثر نامبرده، ص ۸۹

2. Sebeos

۳- آ. ماریک، اثر نامبرده، ص ۸۸. بسیاری از محققین این نظریه را تکرار کرده‌اند.

قبل از شش هفت کلمه بصورت 'rd'n بکار برده شده است. یعنی صوت مربوطه نه بوسیله l بلکه بواسطه rd ادا گردیده است. این امر تصادفی و اتفاقی نیست. بطوریکه میدانم ترکیب باستانی rd طی مرور زمان به l تبدیل شده و نمونه های بارز آن ward ← gul بمعنی «ورد، گل» و bardiš فرس قدیم ← bāliš «بالش» فارسی معاصر (۱) و غیره میباشد. امر تحول l ← rd در متن کتیبه شاپور نیز مشاهده میشود (مثلا در سطر ۲۷ متن پهلوی اشکانی wrdpt «وردپد»، در سطر ۳۳ متن پهلوی ساسانی wrdpt و در سطر ۶۴ متن یونانی Γουλβαδ. در کلمه 'rd'n ترکیب rd چنانکه هنینگ بآن اشاره کرده است، (۲) نمودار l بوده و ممکن است مانند معمولی برای ادای صوت r نیز بکار برده شود. بدین ترتیب 'rd'n معادل است با aran (مقایسه کن با ran گرجی و «الران» عربی).

هیچ کس شکمی ندارد که در این مورد منظور «آلبانی» است. سئوالی که باین مناسبت پیش میآید آنست که به چه سبب در یک سطر متن پهلوی اشکانی یک واژه بدو گونه نوشته شده است: یکبار ب شکل 'rd'n و بار دیگر بصورت 'l'nn. نباید فراموش کرد که در متن کتیبه کرتیر موقع نگاشتن کلمه «اران» از l استفاده شده ولی در کتیبه سر مشهد کرتیر نامبرده برای این واژه 'ld'n بکار رفته است (۳) این واقعیت حاکی بر آن است که نگارنده کتیبه سعی کرده این دو کلمه را از یکدیگر تمیز بدهد و جدا تأکید کند که اینجا سخن از باره دو نقطه جغرافیائی مختلف رانده میشود: یعنی در یک مورد 'rd'n («اران»، «ران»، «آلبانی» و aghuank ارمنی)

۱- رجوع کن به صفحه مربوطه H. Hübschmann, Persische Studien.

۲- رجوع کن به:

W.B. Henning, BSOAS, XIV, 512, ح ۴, همچنین Mitteliranisch, Iranistik, I; Leiden - Köln, 1958, 71; RRGDS, 177. همچنین

۳- رجوع کن به:

W. Henning, BSOAS, XIV, 72; RRGDS, 177; Mitteliranisch,

71.



و در مورد دیگر، 'I'nn TR' در آلانی ها، «در آستی ها» یا «در گرجستان»، «دریالان»، «دریال».

این نتیجه گیری که تبعاً از متن کتیبه ارزیابی میشود، بوسیله روایت یونانی نیز صریحاً تأیید میگردد. وقتی صحبت از «اران» رانده میشود در متن یونانی 'Albaniav' - «آلبانیای» نوشته شده، ولی در مورد «در آلانی ها» 'Ala[nwvnylwn]v' ثبت گردیده است. البته واضح است برای خط یونانی از هم تمیز دادن این دو کلمه خیلی آسان بود و نگارنده با صحت تمام به هدف نائل شده است (۱)

چنانکه گفته شد. ذکر «در آلانی ها» در کتیبه شاپور برای آ. ماریک مبهم و نامفهوم ماند: «دره ایست عظیم... ته آن پر از آبهای خروشان رود ترگ...». برای آنها تیکه به اهمیت تاریخی «دریال» پی برده اند ذکر این محل جغرافیائی در کتیبه شاپور غیره منتظره نباید باشد. چنانکه میدانیم کارتیل (Kartli) (ایوریا)، اران (آلبانی)، ارمنستان، آذربایجان و سایر کشورهای این منطقه روابط و تماس های خود را بانواحی شمال قفقاز نه فقط بوسیله «در بند» بلکه از راه دره «دریالان» نیز برقرار میکردند. مخصوصاً برای گرجستان مهمترین راه بطرف شمال همین «در گرجستان» یا «دریالان» بود و بدون آن روابط مذکور اصلاً نمیتوانست میسر باشد. بنابراین گفته آکادمیسین ای. جاواخیشویلی (۲) گرجستان از دیرباز باملل

۱- گمان نمیرود در متن یونانی اشتباهی رخ داده باشد

RRGDS, 90; M. - L. Chaumont, L'Inscription de Kartir... , JA, CCXLVIII, 1960, 362)

با اینکه بعضی از محققین این دو گذرگاه (یعنی «در آلان» و «در بند») را با هم اشتباه کرده اند (مثلاً 362; M. - L. Chaumont, J. Marquart, Ērānšahr, 100) ولی در این مورد خیلی بعید بنظر میرسد که بجای «در آلانی ها» در متن «در آلانی ها» نوشته باشند، چونکه متن یونانی هم عصر متن پهلوی ساسانی بوده و بیخبر بودن نگارنده یونانی امریست باور نکردنی.

I. Javakhishvili - ۲

آنطرف جبال قفقاز روابط بس نزدیکی داشت و در بعضی مواقع با آنها متحد نیز  
 میشده است. بارها پادشاهان ایرها در مبارزه با دشمنان خود متوسل به یاری  
 آنها شده اند. مثلاً پارسمان (۱) «هون های سفید» را دعوت کرده و بر علیه بیزانس  
 برانگیخت (۲) «دریالان» برای امنیت و پابرجا بودن دولت کار تیل منتهای اهمیت  
 را حائز بود. بدین سبب بقول ای. جاواخیشویلی « فرستاد و دوران دیشی سیاسی و  
 نظامی است حکام سرحدات شمالی را به ایریا تلقین میکرد». (۳) در عصر استرابون «در  
 گرجستان» را مستحکم کرده بودند، ولی از قرار معلوم نه بمیزان کافی. بهمین جهت  
 برای مرفوع ساختن احتمال تهاجم ناگهانی آنها جلو انداختن خط سرحدات لازم شده  
 بود. (۴) س. جاناشیا (۵) در کتاب «فتودالیسم مرحله اولیه» به اهمیت بین المللی «دریالان»  
 و معابر دیگر اشاره کرده و در حین بررسی مسائل مربوط به راههای شمالی خاطر-  
 نشان میکنند که «این گذرگاهها و معابر برای آنها ثبک میخواستند از این موانع  
 بزرگ طبیعی بگذرند و اقامت بمشابه «در» بوده (حالاً نیز هست) و یکی از مهمترین  
 «درهای» واقع در سرزمین ایریا در «دریال» محسوب میشده است. (۶)  
 س. جاناشیا مخصوصاً متذکر میشوند که «این گذرگاهها برای تمام کشورهای  
 واقع در جنوب جبال قفقاز در وهله اول دارای اهمیت فوق العاده سوق الجیشی بود.  
 «جلگه های وسیع شمال قفقاز از دیرباز، از دوره آغاز تاریخ، بعنوان شاهراه  
 بین المللی پیوسته عرصه کوچ و نقل مکان توده های عظیم طوایف از مشرق بمغرب  
 بوده و سکاهای، سرمانها، هونها، ترکها، خزرها، باچانیکها، قبچاقها، مغولها و

#### ۱- Parsman

۲- ای. جاواخیشویلی، تاریخ ملت گرجستان، ۱۹۲۸ ص ۲۵۱ (بزبان گرجی)

۳- همان اثر ص ۲۵۲

۴- همانجا

#### ۵- S. Janashia

۶- س. جاناشیا، فتودالیسم مرحله اولیه، «تحقیقات علمی» جلد دوم، تفریس ۱۹۵۲ ص

۱۶۱ (بزبان گرجی).



غیره بترتیب در این راه حرکت کرده وردپای خود را در این نواحی بیادگار گذاشته اند. اغلب این طوایف زندگی ایلی داشته و زادگاه اولیه شان آسیای مرکزی بوده است<sup>(۱)</sup>. بعدا جلگه های شمال قفقاز بعنوان یکی از اقامت گاه های مهم این طوایف انتخاب شد. آنها گاهی بوسیله معابر مذکور قادر به عبور از جبل قفقاز شده، بعضی اوقات بطرف جنوب خیلی پیش رفته و بهر جا میرسیدند مشغول تاخت و تاز و غارت میگرددیدند. در برخی از موارد آنها بعنوان لشکر اجیر و مزدور دعوت میشدند و ایشان نیز با کمال میل بانجام مأموریت های نظامی متعددی مبادرت میورزیدند. واضح است که بر این معابرو درها تسلط داشتند. بهمین جهت دولت روم نیز که باستقرار نفوذ خود در ممالک این منطقه اهمیت بزرگی قائل بود به این درها ابراز علاقه میکرد. بغیر از اهمیت سوق الجیشی این گذرگاه ها از لحاظ اقتصادی نیز حائز اهمیت معینی بودند<sup>(۲)</sup>.

رهبران دولت کارتیل (گرجستان) همیشه موقعیت فوق العاده دریلان را در نظر داشته و پیوسته در تحکیم و سنگربندی آن میکوشیدند. بقول جوانشر<sup>(۳)</sup> و اختانگ گراسال<sup>(۴)</sup> اوسها و قبچاقها را مطیع ساخته و بردار اوسها تسلط یافت و ما آنرا در آلان مینامیم. در آنجا برج های بلندی برپا کرد و اهالی کوهستانهای نزدیک را بحفاظت گماشت و طوایف اوسها و قبچاقها بدون رخصت پادشاه کارتیل اجازه عبور ندارند<sup>(۵)</sup>. بنا بقول جوانشر نامبرده وقتیکه و اختانگ گراسال

۱- همان اثر ص ۱۸۱

۲- همان اثر ص ۱۸۳ - ۱۸۱

۳- Juansher - مورخ گرجی (قرن ۱۱ میلادی) که زندگی و اختانگ گراسال را توصیف

کرده است.

۴- Vakh tang Gorgasal - پادشاه و سیاستمدار برجسته گرجستان (قرن ۵ میلادی)

وی خدمت بزرگی با مر استقرار و تحکیم دولت گرجستان کرده است.

۵- «سرگذشت کارتیل» چاپ مس. قانو خچیشویلی (S. Kaukhchishvili) جلد اول،

ص ۱۵۶ (بزبان گرجی)

عازم اوست میشد و از شهر متسخه تا (۱) بیرون آمد و صفوف لشکریان خود را تکمیل کرد، سپس در ناحیه «تیانت» (۲) کمی معطل شد. آنجا پادشاهان قفقاز ۵۰۰۰۰ سوار در خدمت او گذاشتند. بنام پروردگارا و از گذرگاه دریالان عبور کرد. در موقع وارد شدن بخاک اوست و اختانگ ۱۶ سال داشت. در آن زمان پادشاهان اوست بگردآوری لشکریان مشغول شده و از خزریان یاری خواستند. از رودی که از دریالان میگذرد عبور کرده بدشت اوست رسیدند. آن رود را آراگوی (۳) میخوانند چنانکه از یک کوه دورودخانه سرچشمه میگیرد: آراگوی (جاری) در کارتیل و آراگوی (جاری) در اوست. (۴)

از اطلاعات این مورخ استنباط میشود که نیروهای متحد اوسها و خزرها کنار رودی که از دریالان میگذرد، بالشکر گرگ سال رو برو شدند. سپس چون و اختانگ بر سر زمین باجانیک و جیک مسلط شد و رسید به اوست، پادشاهان اوست از راه صلح درآمدند و در عوض و خواهر او (که در اسارت بود) سی هزار اسیر اوس را طلب کردند که همه خود را اوس مینامیدند. و اختانگ سی هزار اسیر را بآنها پس داد و خواهر خود را و باین طرف آورد. (۵) بعد از معاوضه گروگان با اسیر پادشاه نامبرده بخششهای فراوان به پارسیان و پادشاهان قفقاز عطا فرموده، خواهر خود میراندخت را با همه اسرا از راه دریال فرستاده خود با سپاه بزرگ کارتیل عازم ابخاز شد. (۶) موقعیت خاص در آلانیها، مورد توجه رجال و ارباب دول خارجی نیز بوده و ایشان در بعضی موارد میکوشیدند از آنها برای استقرار روابط خود با طوایف ساکن

۱- Mtskheta - شهری است در ۲۴ کیلومتری تفلیس. تا اواسط قرن ششم میلادی پایتخت

گرجستان. بعد آ پایتخت به تفلیس منتقل شد. آثار معماری این شهر معروف است.

۲- Tianeti - شهری در گرجستان شرقی

۳- Aragui

۴- سرگذشت کارتیل ص ۱۷۶ - ۱۵۰

۵- همان اثر ص ۱۵۷

۶- همان اثر ص ۱۶۲



آنطرف جبال قفقاز استفاده کنند. مثلاً بنا بگفته آگات آنگوس (۱) در زمان جنگ با پارسیها و خسرو (اول) پادشاه ارمنستان بصف آرائی و گردآوری سپاه پرداخته الوانیها و گرجیان را دور خود جمع کرده در آلان و قلعه چور (۲) را گشود و برای سرکوبی سرزمین پارس نشین و تاخت و تاز به نواحی آسوریان و تیسفون لشکریان هون را گذراند. (۳) برای تجاوزات خود به گرجستان خزر یهانی از همین گذرگاه استفاده میکردند.

لئونتی مروولی (۴) نقل میکند که «خزریها هر دور راه را خوب بلد شدند: هم راه «در دریا» - در بندرا و هم راه «در آرا گوی» یعنی دریال را. خزریها پتهاجم و تاراج سکنه دست برده و اکنون جلو آنها را نمیتوان گرفت. همه اهالی باجده خزریها میباشند». (۵)

طبق اطلاعات مندرج در «سرگذشت کارتیل» بعد از سه سال (۶) خاقان سپهسالار خود بلوچان (۷) را روانه کرد (باین طرف). او از راه لزیگیها گذشته

#### ۱- Agatangelos

۲- یعنی «در بند» به عربی «صول» و بفارسی cōr مقایسه کن با:

J. Marquart, *Ērānšahr*, 101; V. Minorsky, *Hudūd al-Ālam*, passim; V. Minorsky, *A History of Sharvan and Derbend*, Cambridge, 1956, passim.

۳- آگات آنگوس ۱۹۰۹، ص ۱۶ مقایسه کن با J. Marquart, *Ērānšahr*, ۱۰۱ درباره مبارزه خسرو اول بر علیه ایرانیان رجوع کن به ای. جاواخیشویلی، تاریخ نگاری ارمنی چاپ تفلیس ۱۹۳۵، ص ۸۴ و ۸۵ (ب زبان گرجی).

۴- Leonti Mroveli - مورخ گرجی قرن یازدهم میلادی.

۵- «سرگذشت کارتیل»، جلد اول، ص ۱۲.

۶- بعقیده ای. جاواخیشویلی مطابق ۷۶۴ میلادی. رجوع کن به تاریخ ملت گرجستان

جلد دوم تفلیس ۱۹۴۷ ص ۱۷۷ (ب زبان گرجی).

#### ۷- Bluchan

بکاخت وارد شد . رسید به قلعه ای که جوانشروخواهرش شوشان (۱) بآن پناه برده بودند . چند روز بعد آنها را اسیر کرد . شهر تفلیس و تمام کارتیل و مملکت را ویران کردند . « چون بطرف دریالان حرکت کردند یک روز شوشان به برادرش گفت » « آن به که خداوند برای من مرگ بفرستد تا اینکه مورد تحقیر بی دینان واقع شوم » « نگین انگشتر را کند و مکید . زیرا آن نگین سمی مهلك پنهان بود . همانجا در گذشت » (۲).

اطلاعات مستخرجه از مروج الذهب مسعودی میرساند که تا چه اندازه ایرانیان و اعراب برای « دریال » اهمیت قائل بودند : « و بین مملکة اللان و بین جبل القبیخ قلعة و قنطرة علی واد عظیم یقال لهذه القلعة قلعة اللان . بنا هذا القلعة ملك فی قديم الزمان من الفرس الاوائل یقال اسبندیار بن بستاسف ورتب فی هذه القلعة رجلا یمنعون اللان من الوصول الی جبل القبیخ ولا طریق لهم الاعلی هذه القنطرة من تحت هذه القلعة و القلعة علی صخرة صماء لا سبیل الی فتحها و الوصول الیها الا باذن من فیها و لهذه القلعة المبنیة علی هذه الصخرة عین من الماء عذبة تظهر فی وسطها من اعلی هذه الصخرة و هذه القلعة احد قلاع العالم الموصوفة بالمنعة و قد ذکرتها الفرس فی اشعارها و ما کان فی اشعارها و ما کان من اسبندیار بن بستاسف فی بنائها و لا اسبندیار فی الشرق حروب کثیرة مع اصناف من الامم و هو السائر الی بلاد اقاصی الترك . فخر ب مدینة الصفرو كانت من المنعة بالموضع العظیم الذی لا یرام و بها تضرب الفرس الامثال و ما کان من افعال اسبندیار و ما وصفناه فمذکور فی الكتاب المعروف ب کتاب البنکش ، نقله ابن المقفع فی اللسان العربی و قد کان مسلمة بن عبد الملك بن مروان حین وصل الی هذا السقع و وطی اهله اسکن فی هذه القلعة ناسا من العرب الی هذه الغایة یحرسون هذا الموضع و ربما حمل الیهم الرزق من البر من ثغر تفلیس

۸- Juansher - حکمران کارتیل در حدود ۷۶۱ میلادی .

۹- « سرگذشت کارتیل » جلد اول ، ص ۲۴۹ و ۲۵۰



وبين التفليس وبين هذه القلعة مسيرة خمسة ايام (١) كفار ولوان رجلا واحدا في هذه -  
 القلعة لمنع سائر ملوك الكفار ان يجتازوا بهذا الموضوع لتعلقها في الجو و اشرافها  
 على الطريق والقنطرة والوادي وصاحب اللان يركب في ثلثين الف فارس وهو ذو  
 منعة وبأس شديد وذو سياسة من الملوك ومملكته عمائرها متصلة غير منفصلة اذا  
 تصايحت الديك تجاوبت في سائر مملكته لاشتباك المعائر واتصالها. (٢)

در سال ١٠٥ هجری الجراح بن عبدالله الحکمی به «باب اللان» لشکر کشید و  
 از آن گذرگاه گذشت (حتی خرج من الباب) (٣)، و سال بعد از اهالی آنجا جزیه و  
 خراج دریافت کرد (٤). در سال ١٠٩ هجری مسلمه بر علیه ترکان لشکر کشید ،  
 باب اللان را بست و با خاقان مصاف داد. (٥) در همین اوان (٦) مسلمة بن الملك  
 لشکریان عرب را برای حفاظت گذرگاه دریکی از قلاع مهمه مأمور میکند. (٧)

١- طبق مؤلفین عرب یک روز راه مساوی با ٥٠ کیلومتر میباشد . رجوع کن به تخلص رساله  
 ن. ولی خانوف، اطلاعات جغرافیائی نگاران و سیاحان عرب ترون ١٢ - ٩ میلادی درباره آذربایجان  
 باکو ، ص ٦ (بزبان روسی) .

٢- Maçoudi , Les prairies d , or , Texts et Traduction pur  
 C. Barbier Meynarb et Pavet de Courteille , Paris , 1863.

اطلاعات مسعودی را یا قوت نیز تکرار میکنند ولی کمی باختصار و با تغییرات جزئی. رجوع کن به

Excerpta historiae Jakut ar - Rumi ad Georgiam et Caucasum  
 Perlinentia Textum arabicum versione georgica edidit, introductione  
 instruxit , E. Sicharulidze , Thbilissiis : 1964 , 17 - 18 , 19

٣- رجوع کن به یعقوبی ، تاریخ چاپ لیدن ، جلد دوم ص ٣٨٨. مقایسه کن با

D. M. Dunlop , EI , NE , I , 837.

٤- الذهبی ، تاریخ الاسلام جلد چهارم چاپ قاهره ٨٨٠ ز، اثر مذکور D. Dunlop ص ٨٣٧

٥- یعقوبی ص ٣٥٥ ز D. Dunlop ص ٨٣٧

٦- D. Dunlop ص ٨٣٧

٧- مسعودی جلد دوم ص ٤٤ .

طبری خبر میدهد که در سال ۱۱۲ هجری (۷۳۰ میلادی) «سارالترک» (۱) من اللان فلقیهم الجراح بن عبدالله الحکمی فیمن معه من اهل الشام و آذربيجان فلم یتمام الیه جیشہ فاستشهد الجراح و من کان معه بمرج اردبیل و افتتحت الترتک اردبیل» (۲).

طبق منابع عربی در سال ۱۱۹ هجری (۷۳۷ میلادی) مروان بن محمد (۳) در موقع لشکر کشی بر علیه خزریها «دخل ارض الخزر ممایلی باب اللان و ادخلهما أسید بن زافر السملی ابایزید و معه ملوک الجبال من ناحية الباب و الابواب فاغار مروان علی صفالیه کانوا بارض الخزر فسبی منهم عشرين الف اهل بیت فاسکنهم خاخیط ثم انهم قتلوا امیرهم و هربوا فلحقهم و قتلهم» (۴). منابع تاریخی گرجی این اطلاعات مورخ عربی را تایید میکنند. مثلاً بنا بر گفته جوانشر «کر» (یعنی مروان) تمام قفقاز را زیر پا گذاشت و بر دریا و دریا بند مسلط شد و تمام شهرها و اغلب قلعه های حدود کارتیل را ویران کرد» (۵). چندی بعد در سال ۱۴۱ هجری یزید بن اسید السملی نیز بهمین وجه عمل کرد: «ولما استخلف المنصور رحمه الله ولی یزید بن اسید السملی ارمینیة ففتح باب اللان و رتب فیہ رابطة من اهل الديوان و دوح الصناریة حتی ادوا الخراج فكتب الیه المنصور یامرہ بمصاهرة ملك الخزر ففعل و ولدت

۱- مراد خزریها اند.

۲- Tabari - Annales, II, 1530-1531

۳- این شخص در گرجستان بنام «مروان کر» معروف است. از سال ۱۳۲ بخلافت رسید.

درباره او رجوع کن به K. V. Z. Zetterstéen, EI, III, 365 - 366

۴- بلاذری ص ۲۰۷ و ۲۰۸

۵- «سرگذشت کارتیل» جلد اول ص ۲۳۴ (ب زبان گرجی) درباره لشکر کشی مروان کر

ب گرجستان رجوع کن به ای. جاواخیشویلی، تاریخ ملت گرجستان جلد دوم ۱۹۴۸ ص ۷۵ بعد؛

من. جاناشیا تسلط اعراب بر گرجستان «تحقیقات علمی» جلد دوم ۱۹۵۲ ص ۳۷۲ بعد؛

M. Ghazarian, Armenien unter der arabischen Herrschaft ;

bis zur Entstehung des bagraditen Reiches, 177.



له ابنته منه بنا فمات وماتت فی نفاسها. (۱)

در موقع لشکر کشی معروف خود بگرجستان بغاترك (۲) بعد از سوزاندن تفلیس در سال ۸۵۳ میلادی بطرف چارتالت (۳) عزیمت کرد و میخواست داخل اوست بشود. در تسخاوات (۴) به مقاومت شدیدی برخورد، برف هم بشدت باریدن گرفت. او مجبور شد برای قشلاق به بردع رهسپار گردد. سپس وی در دربند را باز کرد و سیصد خانوار خزر بپاراکوچ داده در شانکور مسکن داد. از راه دریایان قریب صد خانوار او سهارا گذراند و در دمانیس جاداد. (۵) اهمیت دریایان در عصر مغول نیز بهمین وجه بود. (۶) اردو کشی معروف تاتلین (۷) در سال ۱۷۶۹ میلادی نیز از همین راه عملی شد. (۸) یعنی دریایان موقعیت مهمه خود را

۱- بلاذری ص ۲۰۹ و ۲۱۰

۲- در بعضی از منابع در تمیز دادن دو بغاترك هم عصر یکدیگر - بغا الکبیر و بغا الصغیر - اشتباهی رخ داده است. درباره این دو شخص رجوع کن فهرست جلد سوم طبری. درباره لشکر کشی بغاترك بگرجستان رجوع کن به یعقوبی جلد دوم ص ۵۸۸، بلاذری ص ۲۱۲، طبری جلد سوم ص ۱۶۱۶ مقاله مینورسکی در دائرة المعارف اسلامی جلد چهارم ص ۸۱۶؛ «سرگذشت کارتیل» جلد اول ص ۲۵۶؛ ای. جاواخیشویلی، تاریخ ملت گرجستان، جلد دوم ص ۴۰۶. بعد. اثر نامبرده قازاریان ص ۱۹۱ بعد. همچنین V. Minorsky, *Hudūd al-'Ālam*, 401; V. Minorsky, *A history of Sharvan and Derbend*, Cambridge, 1958, 151.

۳- Chartalet - شمال تراز تیانت (ح ۲۵). در این باره رجوع کن به ای. جاواخیشویلی

تاریخ ملت گرجستان جلد دوم ص ۳۸.

۴- Tskhayat رجوع کن به همانجا.

۵- جوانشه «سرگذشت کارتیل» ص ۲۵۶ و ۲۵۷.

۶- رجوع کن به D. M. Dunlop, *EI, NE*, 837

Todtleben - ۷

۸- آ. تساکارلی، فرامین و سایر اسناد تاریخی مربوط به تاریخ قرن ۱۸ گرجستان، جلد

اول ص ۶۰ بعد (ب زبان روسی).

تا همین اواخر حفظ کرده بود .

شاپور که آذربایجان ، ارمنستان ، گرجستان را تحت تسلط خود قرار داده بود در موقع لشکر کشیهای خود در ماوراء قفقاز تبعاً میبایستی متوجه در بالان میشد و از قرار معلوم وی با اهمیت این گذر گاه کاملاً پی برده بود . بدین سبب پس از بررسی مطالبی که در بالا ذکر شد سؤال آ . ماریک مبنی بر اینکه چرا در کتیبه شاپور میبایستی « در آلانی ها » ذکر میشد - در صورتیکه « دره ایست عظیم بطول سیزده کیلومتر و هر دو طرف ته آن پر از آبهای خروشان ... » الی آخر - بیجا بنظر میرسد . ماریک لابد تصورات کاملاروشنی درباره اهمیت در بالان نداشت . پایه لغزش این دانشمند ممکن است متن همانندی از اثر مورخ ارمنی بود مربوط به کوه قفقاز مبنی بر آنکه بهرام چوبینه (۱) کوشش میکرد ارامنه را در زمره طرفداران خود در آورد و به موشغ (۲) خطه ای را و تا کوه قاف و در آلبانی ها (یعنی در بند) (۳) وعده داده بود . ولی نام بردن « در آلبانی ها » در قرینه کوه قفقاز خود بخود حائز اهمیت قاطعی نمیشد زیرا در اینگونه موارد « در آلانی ها » نیز مکرر ذکر شده است . مثلاً در سرگذشت کارتیل (جلد اول ص ۳۳۶) گفته شده است که داوید بانی (۴) « بر تمام قلعه های دریال و گذر گاه های اوست و کوه قفقاز مسلط شد » بگمان

---

D. M. Lang , Count Todtleben's Expedition to Georgia 1769-1771 according to a French eyewitness , BSOAS , XIII, 1951 , 878.

۱- درباره اورجوع کن به

K. Czeglédy , Bahrām Čōbīn and the Persian Apocalyptic Literature , Acta Orientalia Hung . , Tomus VIII , Fasc . 1 , Budapest , 1958.

Mushegh - ۲

۳- آ . ماریک اثر مذکور ص ۹۰ . سه بنوس ترجمه پاتکانیان ص ۴۰ (بزبان روسی)

۴- داوید بانی (۱۱۲۵-۱۰۷۳ میلادی) از رجال برجسته و سیاستمداران بزرگ گرجستان ←



ما از فوق الذکر کاملاً روشن میگردد که در متن کتیبه های شاپورو کرتیر در کنار «ارمن» در آلانی ها یا «دریالان» و «دریال» ذکر شده و بهیچوجه سخن از «دراران» یا «دربنده» رانده نشده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

میباشد. در زمان سلطنت اودولت گرجستان باوج قدرت خود رسید. سرزمینهای اشغال شده را پس گرفته و واحدهای نیمه مستقل ملوک الطوائفی را در یک دولت متمرکز مقتدر متحد کرد. داوید نسبت به پیشرفت و توسعه علم و فرهنگ اهمیت زیاد قائل بود و برای شعرا و دانشمندان شرایط زندگی مناسبی فراهم کرده بود. بغیر از زبان مادری خود بر زبانهای یونانی فارسی و عربی تسلط کامل داشت.